

گذری بر تاریخ مامایی و زمانی که علم به کمک مادران ایرانی آمد تا حامی جان نوزادانشان باشد

قصه قابله روسی در مشهد یک قرن پیش

سیدنعمیه زینبی! اگر بخوایم از قابلگی به سبک سنتی بگوییم، باید آن را میان روایت ها و داستان های مادر بزرگ های کهنسال این دیار جست وجو کنیم؛ زمانی که زنان ناگزیر به دفعات، وضع حمل می کردند تا یک یا چند فرزند برای آن ها ماندگار شود. در این برهه، نبود بهداشت و کمبود پزشک متخصص، دست به دست هم می داد تا فرزندآوری، یک فرایند سخت و دلپهراور برای هر زن ایرانی باشد. نخستین اقدام برای خلاص شدن از شر این اتفاقات در سال ۱۲۹۸خورشیدی رقم خورد؛ زمانی که میرزااحمدخان نصیرالدوله، وزیر معارف، مدرسه متوسطه دختران فرانسوی را تبدیل به دارالمعلمات کرد و مقرر کرد هفته ای سه روز، ۱۰انفر از شاگردان مدرسه به مریض خانه نسوان بروند و مشغول تحصیل قابلگی و بیماری های زنان شوند. در ادامه، دکتر «ماتیلد درمیس»، طبیب زنان، نیز استخدام شد تا آن ها را آموزش دهد؛ البته این تغییر به همین راحتی رخ نداد و هزاران تلاش پشت این ماجرا بود تا بالاخره زنان ایرانی از ناآگاهی و جهالت نجات پیدا کنند. در همان سال های نخست، راه پیش پای این مدارس، باز و جواز برای قابلگی برای مشهد هم صادر شد. به مناسبت روز ما، به سراغ این تغییر بزرگ در مسیر سلامت زنان رفته ایم و از پشت پرده آن در مشهد گفته ایم.

● جنایات چهل و مجله طب

نخستین مدرسه قابلگی در خیابان شاه تهران واقع بود و فقط دو کلاس داشت؛ یکی کلاس ابتدایی و دیگری کلاس عالی. در همان سال ها بود که حقوق استخدامی یک نفر معلم طب فرنگی که ۳ هزار و ۳۷۵ تومان بود، برای دو قابله اختصاص یافت. وزارت معارف همچنین به پیشنهاد دکتر امیر اعلم، نصف مبلغ مزبور را برای دستمزد یک قابله و چهار پرستار تصویب کرد.

در سال ۱۳۰۵ آگهی افتتاح مدرسه قابلگی در جراید منتشر شد. یکی از مشکلات خواندن درس قابلگی در آن زمان، این بود که زنان برای وضع حمل به بیمارستان نسوان مراجعه نمی کردند و فقط گاهی زنانی را که زایمان غیرطبیعی داشتند، به اجبار به بیمارستان می آوردند و هر پانزده تا بیست روز هم یک زایمان انجام می شد. تغییر دادن نظر مردم درباره قابله های تحصیل کرده هم کار سختی بود که برای انجام آن، خون دل ها خورده شد. وقتی وضع در تهران پایتخت، چنین بود، بسنجید که در شهرهایی مانند مشهد اوضاع از چه قرار بوده است.

همان دوران، در مشهد هم تعداد زیادی مادر و نوزاد از دست می رفتند و آن را به خرافات و موهومات نسبت می دادند. خبر خوشی که در سال ۱۲۹۸ می خوانیم، چاپ دو نشریه در این شهر است که یکی، مجله طب بوده است و به موضوع سلامت عمومی، ترویج طب جدید جراحی و قابلگی و موضوعاتی از این دست می پرداخته است. این موضوع نشان می دهد در همان سال ها، میان خواص جامعه موضوع پزشک برای زنان جا افتاده بود و برای بسط آن تلاش می کردند، ولی عموم مردم تا سال ها بعد، نیز آن ها را به رسمیت نمی شناختند. حکایت مقبولیت نداشتن قابله های تحصیل کرده در میان مردم و مراجعه همچنان آن ها به قابله های تجربی و سنتی را می توان در خبری که روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۸ خورشیدی ا حدود سیزده سال پس از تأسیس مدرسه قابلگی) منتشر کرده است، دید. در این خبر که باتیتر «جنایت قابله» منتشر شده، چنین آمده است: «چند روز قبل زنی حامله پس از وضع حمل چون جفت بچه بیرون نیامده، به قابله هایی که نه اطلاع و نه تصدیق دارند، رجوع نموده و بالاخره امعا و احشای بیچاره را بیرون آورده اند که فورا فوت می نماید. از طرف کمیساریا، قابله جلب و قضیه تحت تعقیب است».

● قابله های خراسان؛ به دنبال کسب جواز

این روند در ۲۲ بهمن ۱۲۹۹ خورشیدی پس از نظم گرفتن امور مراکز تعلیم و تربیت، تغییر یافت و قوانینی برای مشاغل و حرفه های گوناگونی که همچنان به روش سنتی کار می کردند، وضع شد که از آن جمله قانون طبابت، دندان سازی و قابلگی بود. طبق این قانون، هیچ فردی در هیچ نقطه ایران حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت و دندان سازی را نداشت، مگر آنکه وزارت معارف آن را رسماً شناخته و به صاحب آن «اجازه نامه» داده باشد. پس از تصویب این قانون، به مدت سه سال تمام در هر بهار و پاییز (دو نوبت در هر سال) یک کمیسیون در وزارت معارف منعقد می شد تا افراد بدون تصدیق را امتحان کنند و در صورت شایستگی به آن ها

اردلان اعزیز خان، پسر سلطان محمد مَکری بود که در دوره محمدشاه به علت داشتن سواد و خط خوش، با درجه یاور ی به خدمت نظام در لشکر تبریز مشغول شد. عزیزخان به سبب توانایی اش، توجه امیرکبیر را جلب کرد و در طول صدارت او، به مأموریت های مهمی گمارده شد؛ از جمله در ۱۲۶۵ خورشیدی برای خوشامدگویی به الکساندر (ولیعهد روسیه) که برای نظم بخشیدن به قفقاز و گرجستان به ایروان رفته بود، به آنجا رفت. در ۱۲۶۶ خورشیدی نیز فتنه بابی ها در زنجان، موجب اغتشاش شده بود که عزیزخان مَکری و میرزا احسن خان وزیر نظام

سند نوشت

در بازگشت از مأموریت ایروان، وارد زنجان شدند و کوشیدند تا با ملایمت این فتنه را فرو بنشانند، ولی موفق نشدند و عزیزخان، فرمان جنگ داد. پس از عزل امیرکبیر، بابیان که قدرتی دوباره یافته بودند، در سال ۱۲۶۸ خورشیدی قصد ترویر ناصرالدین شاه را کردند. عزیزخان مَکری این بار نیز مأمور تعقیب و اعدام بابی ها شد، به عنوان نمونه ز رینه تاج معروف به قره العین، از مبلغان مذهب باب را که از مدتی قبل در خانه محمودخان



به علت قحطی و کمیابی نان، عده ای از زنان در اصفهان دست به تظاهرات زدند. آن ها به صورت گروهی به اداره بلدیه (شهرداری) رفتند و ضمن غارت اموال، رئیس بلدیه را هم به قتل رساندند و جسد او را در میدان شاه آویزان کردند. سرایان نظمیه نیز به دستور حکمران اصفهان، به سمت آنان شلیک و عده ای را زخمی کردند.



۱۳۵۳ خورشیدی

عزیز خان مَکری و اسب پیشکشی شاه

کلاتر در تهران محبوس بود، به چاه انداخت و کشت. این دست خدمات او سبب شد که بسیار در مرکز توجه ناصرالدین شاه قاجار قرار بگیرد و سلطان صاحب قران به سبب لیاقت او در امور نظامی، به وی یک راس اسب از اسطبل شاهی پیشکش کند.

روزنامه دولت علیه ایران در سال ۱۲۷۸ قمری (حدود ۱۷۰۰ سال قبل)، تصویر نقاشی شده ای از او را با اسب پیشکشی شاه، چاپ و منتشر کرده است.

۱۸۲۱ میلادی



۱۲۹۰ خورشیدی

ناپلئون ۱۰سال پیش از مرگش در این روز، به دنبال لشکرکشی نافرجام به روسیه، دچار ضعف قدرت شد و به ناچار از حکومت کناره گیری کرد. او بعدها به جزیره دوردست سینت هلن در جنوب اقیانوس اطلس، تبعید شد و پس از شش سال در پنجاه و دو سالگی در همین جزیره درگذشت.



عبدالعظیم ولیان، وزیر سابق تعاون و امور روستاها، به سمت استانداری خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد. مهم ترین نقش ولیان در خراسان، مهار حرکت های مذهبی و محافل و مدارس دینی و نیز بازار در مشهد بود و این نقش در طرح تخریب اطراف حرم مطهر، جلوه گر شد.



ایرانی داشته اند و به احتمال زیاد، تعداد زیادی از زنان و مردان آن سال های ایران با وساطت آن ها پا به این دنیا گذاشته اند.

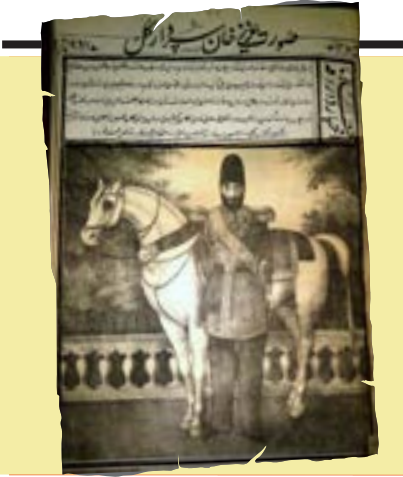
● مدارس قابلگی در مشهد

اماتاجایی که در میان اسناد جست وجو کردیم –تأحدی که در اختیار ما بود– به اطلاعاتی درباره نخستین مدرسه قابلگی مشهد دست نیافتیم؛ البته نیافتن این اطلاعات، باعث نمی شود به موجودیت این مکان در شهرمان شک کنیم؛ زیرا اگرچه در میان اسناد، اطلاعات شسته رفته ای درباره این مدرسه نیافتیم، در میان اخبار مطبوعاتی آن دوران، نام مدرسه قابلگی مشهد درج شده است؛ ازجمله می توان به آگهی «تأسیس مدرسه پرستاری» در سال ۱۳۱۵ اشاره کرد که در یکی از بندهای آن آمده است: «مزایای تصدیق مدرسه پرستاری مانند مدارس متوسطه بوده و هرکس از مدارس پرستاری، تصدیق قبولی دوساله را دریافت نماید، حق ورود به مدرسه قابلگی را خواهد داشت». در خبر دیگری درباره آموزشگاه پزشک یاری مشهد نیز چنین آمده است: «دوره تحصیلات پزشک یاری، دو سال [است] و ارزش گواهی نامه آن با دوره دوم متوسطه، برابر بوده و حق ورود به آموزشگاه قابلگی خواهند داشت». پس از این مدارس قابلگی اندک اندک، تبدیل به آموزشگاه مامایی می شوند، ولی حتی این تغییر نیز نمی تواند کلاف سردرگم زایمان در ایران و خراسان را باز کند.

● تلاش پزشکان برای بهبود قابلگی در مشهد

در آن سال ها پزشکان مشهدی همه تلاششان را می کنند تا زنان کمتری به خاطر زایمان از دست ببرند. در میان اسناد برجای مانده در آستان قدس رضوی، می توان ردپای این ممارست را دید؛ در سال ۱۲۱۹ خورشیدی، اعلامیه ای از توسعه زایشگاه بیمارستان شاهرضا خبر داده و گفته است: «پنجاه تخت خواب به رایگان برای زنان بی بضاعت در آنجا دایر نمایند. همچنین مقرر می شود که از اول بهمن ماه هرزن بارداری که به زایشگاه بیمارستان شاهرضا مراجعه نماید، بدون هیچ گونه تشریفاتی، او را به رایگان بپذیرند و چون این عده تخت خواب برای کلیه مراجعندگان شهر کافی خواهد بود، لذا شهرداری و بهداری مشهد خواهند توانست از زن هایی که حالیه بدون داشتن گواهی نامه، مامایی کرده و باعث اتلاف نوزادان می شوند، قویا جلوگیری نمایند».

این خبر نشان می دهد اگرچه در سال ۱۲۰۰ قابله های سنتی از این کار منع شده بودند، حدود بیست سال بعد، هنوز به فعالیت خودشان در این شهر ادامه می داده اند. برای «ناوژ داسو استیانوفا»، از رئیس معارف و اوقاف و خراسان درخواست می شود، در خیردگیری در سال ۱۳۰۸ آمده است: «طبیبه – قابله او غلوفسکا یا از مسافرت مراجعت نموده، همه روزه غریز روزهای یکشنبه، از چهار ساعت به ظهر الی ظهر، برای پذیرایی رضا حاضر است. محل محکمه، کوچه ارک، مقابل عدلیه سابق. تبصره: در اتفاقات فورا همه وقت برای پذیرایی حاضر است». سندهایی از این دست، درکنار خبرهایی که می توان در مطبوعات آن سال ها دید، نشان می دهد قابله های خارجی و به ویژه روسی، نقش مهمی در میان جامعه زنان



“فکتهارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صد و چهل و دوم)

سرگذشت شکل گرفتن مدارس علمیه مشهد (بخش سیزدهم)



مرضیه ترابی ا در قسمت های پیشین مفصل درباره مدارس علمیه مشهور مشهد در دوره صفویه صحبت کردیم. شاید شما خواننده ارجمند گمان کنید که بعد از صحبت درباره مدارس بزرگ و مهمی مانند «میرزا جعفر»، «عباسقلی خان شاملو»، و «خیرات خان»، دیگر نیازی به صحبت درباره مدارس علمیه مشهد در دوره صفویه نخواهد بود، اما این تصور اصلا درست نیست. بسیار بوده اند مدارس علمیه مهم و جریان ساز در این دوره و حتی ادوار قبل آن که به دلایل گوناگون، ویران شده اند و تنها نامی از آن ها در متون تاریخی باقی مانده است. برخی از این مدارس مانند مدرسه بالاسر در دوره صفوی تعمیر شدند و با وجود محدود بودن فضا و تعداد طلاب، از اهمیت و موقعیت فوق العاده ای در میان مدارس علمیه مشهد برخوردار بودند؛ فی المثل در همین مدرسه بالاسر، حجره ای وجود داشته که تا پیش از توسعه حرم رضوی و تخریب های مکرر، نزدیک ترین مکان بیرون از اماکن متبرکه که به روضه منوره محسوب می شده است و طبق گزارش مرحوم استاد عزیزا... عطاردی در جلد دوم «کتاب فرهنگ خراسان»، در طبقه دوم آن، حجره ای وجود داشت که مشهور بود شیخ بهایی در آن به عبادت و تهجد می پرداخته است. از دیگر مدارس فعالی که امروز تنها نام آن ها را می دانیم، می توان به مدرسه مشهور «باقریه»، اشاره کرد که در حاشیه بالاخیابان و نزدیک به ورودی حرم رضوی قرار داشته است؛ مدرسه ای که به اهتمام ملا محمد باقر سبزواری در سال ۱۰۸۳ قمری (۱۰۵۱ خورشیدی)، در دوره شاه سلیمان صفوی، بنا شده و بانی آن مردی خیر به نام «محمد سمیع» بوده است. از این رو افزون بر نام «باقریه»، از آن با نام مدرسه «سمیعیه» نیز یاد می کرده اند. خوشبختانه اعتماد السلطنه در کتاب ارجمند «مطلع الشمس»، سیاهه کنیه این مدرسه را ثبت کرده است و امروز اطلاعات بیشتری درباره آن داریم. طبق گزارش کنیه، مدرسه با حمایت محمد باقر سبزواری (در متن خراسانی) و ابامال محمد سمیع و با نظارت میر عبدالحسین اصفهانی و حاج شیعی اصفهانی ساخته شده است. ملا علی بسطامی، در کتاب «فردوس التواریخ» می نویسد: «آقا جمال خوانساری (درگذشته ۱۰۹۲ خورشیدی و از علمای نامدار عصر صفوی) در اواخر زمان حیات، ترک اصفهان نمود، مجاورت امام انس و جان (علیه صلوات...) الملک المنان (را) اختیار نمود و یکی از مدار قدس بدیمه مشهد را که در آن مشهور به سمیعیه بود، تعمیر کرد»، گزارش بسطامی نشان می دهد که او لا، مدرسه باقریه در ابتدا به «سمیعیه» شهرت داشته و ظاهرا نام اصلی آن همین بوده است و ثانیاً، مدرسه چهل سال بعد از احداث اولیه، نیاز به مرمت پیدا کرده که آقا جمال خوانساری آن را ترمیم کرده است همچنین توصیف ملا علی بسطامی نشان می دهد که در سال ۱۳۰۱ قمری (۱۲۶۳ خورشیدی)، زمان نگارش کتاب «فردوس التواریخ»، مدرسه سمیعیه، مدرسه ای آباد و مشهور بوده و موقوفه های ارزشمندی داشته است. طبق این گزارش، «اکثر طلاب ساعی و پرهیزکار در آن مدرسه مبارکه، اشتغال به درس و مباحثه، داشته اند. این مدرسه مشهور در سال ۱۲۵۴ خورشیدی و در جریان تخریب بزرگ، ویران می شود و برای همیشه از بین می رود. از دیگر مدارس این دوره تاریخی مهم، می توان به مدرسه علمیه «فاضلیه»، یا «فاضل خان» اشاره کرد که در ابتدای بالاخیابان واقع بوده و کتابخانه ای بسیار معتبر و مشهور نیز داشته است. این مدرسه را که در سال ۱۲۴۷ خورشیدی به دستور محمد ولی اسدی، نایب التولیه وقت آستان قدس، تخریب شد، «فاضل خان توتی»، ملقب به «علاء الملک»، در دوره شاه عباس دوم صفوی به سال ۱۰۷۵ قمری (۱۰۴۳ خورشیدی) ساخته و یکی از مدارس معتبر علمیه مشهد، تا پیش از تخریب بوده است. درباره این مدرسه، نکات خواندنی دیگری هم وجود دارد که در قسمت های بعدی به آن ها اشاره خواهیم کرد.

ادامه دارد...

درنگ

معرفی شخصیت های تاریخی در نمایشگاهی دانش آموزی

نمایش تاریخ در دل یک مدرسه



مریم دهقان نمایشگاه چند منظوره «ستارگان علم و هنر» در دبیرستان دخترانه امام رضا^{۱۱}، واحد ۱۲، مشتمل بر طرح های علمی و آموزشی استیم «Steam» به مدت سه روز در هفته معلم برگزار شد. در طرح استیم، دانش آموزان در قالب نمایش صحنه ای، مشاهیر خراسان رضوی را معرفی می کنند و خود نیز با این افراد برجسته که بخشی از تاریخ این استان اند، آشنا می شوند. چهره های ادبی و هنری استان مانند شیخ عطار نیشابوری، خیام، حکیم ابوالقاسم فردوسی، عماد خراسانی، محمد عثمان پرست و محمد غفاری معروف به کمال الملک و همچنین چهره های علمی و فیلسوف و عارف مانند شهید مرتضی مطهری، سید حسن طباطبایی، شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم و شخصیت های برجسته دیگر، همچون رهبر معظم انقلاب و پدر بزرگوارشان از این جمله اند.

یکی از بخش های مهم این طرح به حدیث سلسله الذهب و مسیری اشاره می کند که امام رضا^{۱۲} از خراسان رضوی پیمودند تا به توس برسند.



آرشیو
۱۳۳۳ دیماه
۱۳۳۳ شهریور
۱۳۳۳ آذرماه

۱۵



تاریخ و هویت

